

نبودن شاخص و معیار برای اندازه گیری قابلیت‌ها و صلاحیت‌های نامزدهای انتخاباتی (اعم از مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و مجلس خبرگان) راه را برای سلیقه‌ها و یا اجتهادهای شخصی باز می‌گذارد

ابهام در رجل سیاسی بودن اعضای شورا



سایت 24 آنلاین نوشت: در سیاست‌های کلی انتخابات که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و در مهرماه امسال از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، بر ضابطه مند شدن تعریف "رجل سیاسی و مذهبی" تاکید شد.

در متن سیاست‌های انتخابات "تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان" مورد صراحت قرار گرفته است.

جلوگیری از اعمال سلیقه و اجتهاد شخصی

نبودن شاخص و معیار برای اندازه گیری قابلیت‌ها و صلاحیت‌های نامزدهای انتخاباتی (اعم از مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و مجلس خبرگان) راه را برای سلیقه‌ها و یا اجتهادهای شخصی باز می‌گذارد. روش شورای نگهبان در همه سال‌های پس از تصویب قانون اساسی این بوده که بر اساس ملاک‌هایی داوری کند که معمولاً نه نامزدها از آن آگاهند و نه رای دهندگان. طبیعتاً پاسخ شورای نگهبان به اعتراضاتی که در این زمینه مطرح می‌شود یک جمله بیش نبوده: "نظر شورای نگهبان، قانونی و فصل الخطاب است."

این استدلال شورای نگهبان با همه قاطعیتش، گرچه هر معترضی را وادار به قبول و تمکین می‌کند، اما هیچکس را قانع نمی‌سازد. همین که در سیاست‌های کلی انتخابات، تعیین شاخص برای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری مورد تاکید قرار گرفته، تاییدی بر ناقص بودن روند جاری است. روندی که اگر اعضای شورای نگهبان تغییر نکنند، نامزدها هم عوض خواهند شد!

چالش شورای نگهبان و تشخیص صلاحیت‌ها

در این نوشته، نقش شورای نگهبان در بررسی صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری مورد بحث است و در همین راستا این پرسش مطرح می‌شود که آیا اعضای شورای نگهبان، نه به لحاظ جایگاه حقوقی، بلکه به لحاظ جایگاه حقیقی، صلاحیت تشخیص کشف ویژگی‌های کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری را دارند؟

به نظر می‌رسد سیاست‌های کلی انتخابات، پاسخ "نه" به چنین پرسشی داده است زیرا اگر جز این بود، در سیاست‌های مزبور، نیازی وجود نداشت که شاخص‌های لازم برای این مورد وضع شود. با این حال به نظر می‌رسد شورای نگهبان برای دستیابی و تعریف شاخص‌ها باید از دیدگاه کارشناسان سیاسی و مدیریتی کشور بهره‌گیری کند. و از آن مهم‌تر اینکه پس از تصویب شاخص‌ها هم، برای تطبیق افراد با شاخص‌ها از دیدگاه کارشناسان برجسته سیاسی-مدیریتی استفاده کند.

قاعده مشهوری است که می گوید: "مُعَرَّف باید اعراف از مُعَرَّف باشد" یعنی: کسی که فردی را به دیگران معرفی می کند باید خودش شناخته شده تر از کسی باشد که معرفی اش می کند. طبق این قاعده، اعضای شورای نگهبان باید قبل از آنکه کسی را به عنوان رجل سیاسی مورد تایید قرار دهند، خودشان رجل سیاسی باشند، حال آنکه قطعاً اگر اکثر قریب باتفاق اعضای کنونی شورای نگهبان نامزد ریاست جمهوری شوند، سایر اعضای همین شورا به آنها رای نخواهند داد.

برای حل مشکل چه باید کرد؟

طبق سیاستهای کلی انتخابات، شورای نگهبان موظف به تعیین شاخصهاست؛ از سویی طبق قانون اساسی همین شورا مسئول تایید صلاحیتهاست. یک راه دوردست تری وجود دارد و آن اینکه در اصلاح قانون اساسی (که به نظر می رسد بعد از تغییرات در سال ۱۳۶۸ زمان آن رسیده باشد که بازنگری تازه ای انجام شود) این نقیصه بزرگ برطرف و تایید صلاحیتهای ریاست جمهوری فرضاً به بخشی از نخبگان پرسابقه کشور واگذار شود. اما راه حل در دسترسی نیز وجود دارد که شورای نگهبان می تواند به آن تن دهد.

توضیح بیشتر اینکه همانگونه که شورای نگهبان برای بررسی های خود (در انتخابات مجلس) از مراجع چهارگانه ثبت احوال، وزارت اطلاعات، دستگاه قضایی و ناجا استعلاماتی را انجام می دهد در باره تشخیص "رجل سیاسی" و حتی "رجل مذهبی" و نیز "مدیر و مدبر" بودن نامزدها از گروههایی خاص استعلام کند. این گروههای خاص حتی می توانند به درخواست شورای نگهبان، به تایید مجلس هم برسند، هرچند الزامی به آن وجود ندارد.

قطعاً تشخیص اینکه چه کسی "رجل سیاسی" هست یا نیست توسط جمعی از سیاستمداران برجسته و پرسابقه جامعه به صواب نزدیکتر است تا تشخیص آن توسط اعضای شورای نگهبان. به همین منوال "مدیر و مدبر" بودن کاندیداها را مدیران باتجربه بخشهای مختلف بهتر از شورای نگهبان می توانند احراز کنند.